

# ایران و مطبوعات جهان

لیبراسیون در ۲۷ سپتامبر ۸۱ ( ۱۶ شهریور ۶۰ )  
میتویسد :

آیت الله قدوسی دادستان کل انقلاب که مسئول تحقیق و بررسی در مورد انفجار در دفتر نخست وزیری بود بنحویه خود در شرایطی مشابه و با بعضی همانندیم قتل، کشته شد... با قتل او یکی دیگر از یاران مورد اعتماد خمینی از پیش رفت... این بمب گذاری بیش از پیش این سوال نگران کننده را مطرح میکند که چه کسی پشت سر این موج جدید تروریسم قرار دارد. مقامات ایرانی یک بار دیگر مجاهدین را مسئول آن دانسته اند. نرحمانیکه خیرگزاری تاسی، سلطنت طلبان را متهم میکند که به "حج ترو" متوسل شده اند تا " رژیم فعلی را سرنگون ساخته و رژیم سلطنتی را از نو بر پا دارند. ضایع نزدیک به سازمان مجاهدین، نگرانی خود را از اعمالی که به آنها نسبت میدهند و آنها کم و بیش خود را با آنها بیگانه میدانند، پنهان نیدارنمیدهند یکی از نزدیکان رجوی بجا گفت: چه فایده دارد وقتی که هیچکس حرف مارا باور نمیکند (انتساب این سخن بمب گذاریها را بخود) تکذیب کنیم."

در همین مقاله، در جایی دیگر در مورد فرار پاسداران میاید:

توکل خدمت بینی از بینی پاسداران موجب نگرانی مقامات شده است. طبق اطلاعات قابل اعتمادی که از تهران بدست آمده بعد از کشته شدن رجایی و باهنر، بیش از هزاران تن از پاسداران با اسلحه و مهمات خود ترک خدمت کرده اند.

روزنامه "المجاهد" ( ارگان رسمی دولت الجزایر) در شماره ۶ سپتامبر ۸۱ می نویسد:

" کشته شدن آیت الله قدوسی طبق گفته رادیو تهران در اثر انفجار بمب آتش زای بوده است. در حالیکه حاکم شرع و دادستان دادگاههای ارتش، حجت الاسلام ری شهری که خود شاهد انفجار بمب بود گفته است: " من دیدم که بالکن طبقه دوم فرو ریخت " و این میسرمانند که صادره

منفجره از نوع بمب توی و در عین حال آتش زای بود، از همان تویی که روز یکشنبه گذشته در نخست وزیری منفجر شد... هنوز مشخص نیست که بمب در اتاق آیت الله قدوسی جاسازی شده بود و یا آنطور که رادیو ( تهران ) اعلام داشته در کتابخانه تحتانی این اتاق... امیر خسروی عضو کمیته مرکزی حزب توده کسه در روزنامه " لومائین " بدینگونه معرفی میشود " عضو کشته مرکزی حزب توده که سالها در فرانسه بسر برد و جزء اولین دسته بنیانگذار حزب کمونیست ( توده ) ایران "، برای اینکه از قافله عقب نماند و به احتمال قوی تر برای انجام مأموریت در دفاع از " خط ضد امپریالیستی امام " بعد از بنی صدر و رجوی به پاریس رفت و با پاره ای از مطبوعات فرانسوی، از جمله لوموند و لومائین مصاحبه های انجام داد که در زیر چند نکته از آن نقل میشود:

امیر خسروی در مصاحبه مورخ ۲۲ اوت ( ۳۱ مرداد ۶۰ ) با روزنامه لوموند، بر حمایت حزب توده از رژیم جمهوری اسلامی مجددا تاکید کرد و بسا اینسب، برای باقی گذاشتن امکان مصافق زدنهای بعدی، به " عدم توقفهای در زمینه یا ره ای صایل "، اشاره کرد. امیر خسروی " محدودیت های آزادی " در ایران را یک امر " فرسوسی " میدانند. بنظر او خط اصلی برای رژیم جمهوری اسلامی " ضشأ داخلی دارد نه خارجی " در صورتی ظاهر خواهد شد که رژیم " نتواند مشکلات اقتصادی و اجتماعی " را حل کند.

امیر خسروی در مصاحبه مورخ ۲۷ اوت ۸۱ بسا روزنامه " لومائین " میگوید:

" حمایت ما از رژیم امام خصیصی استرژیک است، چون ما با خط ضد امپریالیستی، ضد فئودالی او که در خدمت ضعفین میباشد، موافقیم. ما معتقدیم که در دراز مدت جناح های ترقیخواه اسلامی ( خط امام ) میتوانند ایران را بطرف سوسیالیسم پیش ببرند."

امیر خسروی سرکوب خونین را بظاهر تأیید نمیکند ولی آنرا " عکس العمل طبیعی حکومتی که از داخل و خارج مورد حمله قرار گرفته است میدانند و با وقاحت تمام اضافه میکند:

گفتن اینکه رژیم تهران، رژیم سرکوبگر است، بنظر من اشتباه است. رژیم شاه در قسوت خود رژیم سرکوبگر بود، اما جمهوری اسلامی فقط در مقابل اعمال تروریستی، عکس العمل نشان میدهد."

هفته نامه " آفریک - آزی " ( افریقا - آسیا ) در شماره ۲۱ اوت ۸۱ در پاره گروههای سلطنت طلب از نوع " گروه آزادگان " می نویسد:

ضدیت مردم با رژیم امروز بجایبسی رسیده است که در خیابان سابق مردم به خود جسارت میدهند که خود را چنین " آزاد بیخشی " معرفی کنند. بهر حال آنها ( آزادگان ) نشان دادند که بخشی از مقامات عالیترتبه ارتش به آنها وفشا

چند ماه قبل از این انتخابات، در ابتدای جنگ ایران و عراق، زمانی که فرانسه هواپیماهای میراژ به بغداد تحویل داد، از موسسات دیگر فرانسوی بخاطر دریافت تهدیدها شدیداً محافظت میشد. همانزیرت به نظر می رسید که این تهدیدها از تروهای طوفان رژیم اسلامی در بیروت بیخلاف میاید.

ارائه سه نکه دیگر در همین رابطه که در پیوسته زیر با هم و تاثیر متقابل میباشند در اینجا لازم بنظر میسرود:

۱- جنبش ارتجاعی، اصل که مورد حمایت امریکا، اسرائیل و رژیم صهیونی و از دشمنان پیرصخت جنبش فلسطین است، در هفته های اخیر، حملات خود به سازمانهای مبارز فلسطینی و دیگر سازمانهای جنبش ملی (ترقیخواه) لبنان را تشدید کرد، است. از جمله خبری است که در روزنامه لوموند، در ۱۹ اوت ۸۱ منتشر شده است.

بعد از دو روز زد و خورد شدید بین اعضاء حزب کمونیست لبنان و سازمان سیاسی - نظامی، اصل در جنبش لبنان، اوضاع هنوز در جنبش لبنان آرام نگرفته است. بر اساس اولین گزارشها، در این برخورد ها حدود ۲۰ نفر کشته و ۵۰ نفر زخمی شده اند. از جنبش رزیم صهیونی اصل تقریباً در همه جا با دیگر سازمانهای جنبش ملی (ترقیخواه) لبنان در حال حاضر مبارزه مسلحانه است.

بکشیه (۱۶- اوت) با حزب کمونیست جنبش در قرب بیروت با یکی از سازمانهای جنبش ملی لبنان (کشته ۲۰ زخمی)، جصه در قرب بیروت با کردها (دو زخمی)، پنخشته با هواداران بعث سوریه، چهار زخمی با حزب کمونیست، سازمان اصل، بیش از پیش در قرب بیروت، در جستجوی برخورد مسلحانه با سایر نیروهای مقاومت فلسطین است.

۲- بدنیال ترور صفر فرانسه در لبنان، علاوه بر پیام تسلیم سازمان فتح و سایر سازمانهای فلسطینی به فرانسه، اعلام خیر کوتاه (بدون تفسیر) این ترور توسط رسانه های گروهی رژیم اسلامی، بنی صدر برای فرانسه، تهران، رئیس جمهور، و رجوی برای پیر هروا نخست وزیر فرانسه فرستادند. در پیام رجوی به پیر هروا، خصوصاً آمده است:

"پیام شورای فلسطینی مقاومت برای آزادی و استقلال و جمهوری دموکراتیک اسلامی" و تاسف و تأثر اکثریت مردم ایران را در مقابل این "جنایت مدهنش" اعلام میدارم (لیبراسیون ۸ سپتامبر ۸۱-۱۷ شهریور ۶۰).

۳- صدر شماره های گذشته به موضوع ملاقات هانی الحمن، مشاور نزدیک پیر هروا با صحرور رجوی اشاراتی کرده ایم و نوشتیم که علیختم تقدیب رسمی سازمان الفتح، مبارک انکسار نماینده رسمی آنها تأیید میکند. در اینجا باره ای از نوشته های حکمران فرانسه در این زمینه را به اختصار نقل میکنم.

لوموند در شماره صرخ ۲ سپتامبر ۸۱ (۱۱ شهریور ۶۰)

دارند. صدائیم که هیچ پاکسازی بدی در صورتی ارتش صورت نگرفت و تمام تلاش رژیم صهیونی پاکسازی افراد چپ در صفر ارتش بوده است.

بهین خاطر است که در بار طتی - صانتس - بختیار، زبالهای فراری و بنی صدر - به ارتش بیعتوان "دور" مارزه، چشم دوخته اند. صنتی در صاحبه ۱۳ اوت ۸۱ با روزنامه "لوماتین" میگوید:

"ارتش میتواند نقش موثر در سرنگونی رژیم ایضا کند... با غناختی که از صنگ دارم با جرات میتوانم بگویم که ارتش ایران هنوز میتواند ارتش وجود دارد بزودی خواهیم دید."

علی ایچی در صاحبه ای در همین شماره "لوماتین" میگوید:

"ناید خود را گول زد. اگر به ایران برگردیم در اتاق صب "وانت بار" ارتش خواهد بود... و در حال حاضر، این تنها نیروی است که میتواند در مقابل جنبش های اسلامی پایتخت..."

ایچی در صاحبه این میگوید که در رژیم آینده (کجا گتک ارتش برپا میشود)؟

بنی صدر هم نقش داشته باشد و بخاطر مدتها همکار با رژیم اسلامی، میتواند نقاط ضعف آنها تشریح کند.

در پاسخ به سؤال خبرنگار "لوماتین" در اینکه: "تسا بیشتر از افراطیون مذهبی میسرود یا از کمونیستها؟"

شلی ایچی، سرشناس ترین نوکر امپریالیسم امریکا جواب میدهد:

"ما به تاسف است که ببخشی کشته شد چون بهرحال مرد باهوشی بود. او در عین بهره گیری از حزب توده، با بانور های حساب شده، کمونیستها را از بین میسرود."

پس از کشته شدن صفر فرانسه (اعلان ترور قبلاً کشیده بودند صفر فرانسه) به گردان بگوند ولی بعثت بسته بودن قتل درها از داخل در این کار توفیق نیافتند. روزنامه ها و رادیو تلویزیون - های فرانسه بطور ضمنی یا صریح، آنها کار عوامل رژیم اسلامی ایران نظیر جنبش ارتجاعی "اصل" دانستند. روزنامه "لوماتین" مورخ ۵ سپتامبر ۸۱ درباری ترور نوشته:

"در جریان بحران اخیر فرانسه و ایران (بدنیال اعطاء پناهندگی به بنی - صدر و رجوی)، در ماه گذشته، انفجار قوی سه صصه فرانسوی (بانک فرانسه - لبنان، دفاتر افرانسی) را در بخش غربی بیروت ویران کردند. روزنامه های لبنانی خبر از تلفن های تهدید آمیزی میدهند که در آنها فرانسه را به خاطر اعطاء پناهندگی سیاسی به دشمنان انقلاب اسلامی سرزنش میکردند. اگرچه هیچیک از سازمانهای ایرانی صدر در لبنان، مسئولیت انفجار اخیر را برعهده نگرفته اند ولی ردیای آنها بچشم میخورد."

مرگ پیر امپریالیسم جهانی به سرنگونی امپریالیسم امریکا

در این صورت این اقامتگاه بنی صدر و ربیعی هانی الحسن صابر شخصی سازمان میاهدین خلق ملاقات کرد. بعد از این ملاقات، هانی الحسن گفت: "میدانم که برادر صمد ربیعی بتواند با یاسر عرفات ملاقات داشته باشد تا بتواند درباری اوضاع معانی به گفتگو بنشیند چرا که تمام سخن در ایران ادامه دارد ما باید بنیم از چه طریقی میتوان چوئی اثر گرفت. از هانی الحسن سؤال شد که "میباشد نقش واسطه را ایضا کند"، جواب داد و نوشت: "سیاست سازمان آزاد فلسطین فلسطین در مورد ایران تغییر نکرده است" و ادامه داد: "ولی ما برای این که دست یازیم امتیاز نداریم که دشمن دیگران باشیم. ما با ایران هستیم و سازمان آزاد فلسطین فلسطین میخواهد به این کشور کمک کند".

روایاتی لوماتن، در دوم سپتامبر ۸۱، ضمن اعلام ملاقات و نقل گفته های فوق الذکر هانی الحسن به عبارت دیگر و را نیز نقل میکند: "سازمان ما نمیتواند برادران میاهدین را که در کنار فلسطینی ما هستند، فراموش کند".

در همین شماره "لوماتن"، فیلیپ لاپرومترک نوشت: "در سده شانزدهم فلسطین تسخیر بیروت شد. آن روزی را بیان دارند که خمینی قدرت را بدست گرفت. آنروز در همه مراسم جشن و شادمانی برپا بود و عرفات با عیله روی بالکنی ظاهر شد و به نشانه شادمانی با تپانچه اش چند تیر مریخی شلیک کرد و سخن در شادی گفت: "ما پیروز شدیم" و چند روز بعد، اولین جمعیت خارجی بود که به ایران دعوت شد. آنوقت ماه عمل بین عرفات و خمینی بود و بعد از اولین گفتگو با ایشان اعلام کردند: "ما بیت المقدس را آزاد خواهیم کرد" ... سی ماه بعد از این "دستی ممتاز وی رفیق چوئی باقی نمانده است. وخیم شدن روابط فلسطینی ما با ایران خمینی، بعد از سله پروتکتوری - که سازمان آزاد فلسطین آنرا تأیید نمیکرد - آغاز شد. خمینی به "ماه ویت حسن نیت" عرفات باین گفته: "خطره شما فلسطینی ها از آزادی جاسوسان آمریکا را میخواهید؟" جواب رد داد. کسی بعد ساک (سازمان آزاد - بیختر فلسطین) از قبضه کردن تدبیری قدرت توسط روحانیون پسر خشم آمد. کم کم، دوستان "ساف" کنار گذاشته شدند. بدتر از این، در یکی از ملاقاتهای عرفات، امام خمینی او را بخاطر وجود اعتقادات مختلف در "ساف" مورد سرزنش قرار داد و به او گفت: "قطعی یک مبارزه ضد درصده اسلامی میباشد قدس را آزاد کند". فرد کسر مستحق بیان هانی الحسن مشاور بریت عرفات - به سفارت فلسطین در تهران پیشنهاد شد. رهبران فلسطین سر گفتگوهای حسوسی خود - حسوسیت و دشمنی را در مقابل استقرار یک قدرت - همی در

ایران، بشمار میگذرد، به این ترتیب باید از تیریه شدن منطقه بر اساس بارشها، ماه دین جاولیوی کرد".

با اینکه مسان روز سوم سپتامبر، پس از اتمام مذاکرات هانی الحسن و ربیعی، خبرگزاری فلسطین "وفا" این خبر را "بشدت تشکیب" کرد و "المنسرا" دروغ محض خواند.

روزنامه "لوماتن" در سر مطلبی در نوشته: "در حالیکه سازمان آزاد فلسطین فلسطین در بیروت ملاقات هانی الحسن و ربیعی در "اورسرا" را تشکیب میکند، رادویی تهران هیچ اشاره ای به این ملاقات سازمانی با ربیعی میاهدین نمیکند. .... اطلاعاتی در "ساف" در مورد تشکیب ملاقات مشاور یاسر عرفات با صمد ربیعی در بیروت در زمانی منتشر میشود که مصححات بیروت فلسطین سخن آنها را در کتاب هم چاپ میکند (در همین شماره "لوماتن" این سخن چاپ شده که در آن علاوه بر ربیعی، هانی الحسن، یکی از رهبران نگاران خبرگزاری فرانسه نیز دیده میشود). اطلاعاتی "ساف" نهایتاً سرگشتگی رهبران فلسطینی در مورد با ربیعی متحد ساری خوبی است. بی از سخنوران "ساف" گفت: "اخبارات بیانیاری که به هانی الحسن نسبت داده شده، تأیید ساختنی است" و اضافه کرد: "مشاور عرفات از چند سال پیش جهت مخالف، در زمانی بعد میرد".

بلاخره در روز بعد، "ساف" اصل مریخی یعنی ملاقات هانی الحسن و ربیعی را پذیرفت و کاسه کوزه ما را بر هانی الحسن شکست و او را بنام این "خطا" به بیروت "اسرار" کرد.

در بیروت "ساف" اعلام کرد که هانی الحسن (از نزدیکان یاسر عرفات که اخیراً در اورسرا دیده شد) با صمد ربیعی دیدار کرده است) را "احیاء" کرد. بنا به گزارش خبرگزاری "وفا" هانی الحسن که از هوش بیختری استفاده میکند، کمی دایر بر مذاکره و یافتن کرده است. خبرگزاری اضافه میکند که تماسی که او برقرار کرد بنا به "ابتکار شخصی" بوده است.

### فهرده ای ...

پس سخن بر سر بودن یا نبودن هژمونی پروتشاری نیست. و اینها ما نیز میدانیم که پیش شرط مسر حرکت از ابتدا این نیست، سخن بر سر داشتن یا نداشتن مینت مستقل چپ در هر حرکت جنبشهای است. "شورای متحد چپ" قائل بر وجود این سوت نیست. معتقد است که در چپ هیچ ضد فاشیستی اساساً سزومسی مطرح نیست. سزومسی با همه است. یا هیچکس نیست. ما معتقدیم که اساس سزومسی اتلاف نیست، چش انداز است. چشم انداز و در آینده های دور است. و اگر این بخواهد نفی شود اساس چپ بودن نمی باشد چه چپ بودن آری نهی نیست. اگر حرکت اجتنابی یک عنصر چپ همواره منسب بر حرکت غیر چپ ما باشد، در چپ بودن چه فایده ای است بجز نارضایتی خدا؟

ادامه دارد